

پایگاه خبرگزاری جمهور

جوزا 1394 ساعت 17:04 28

دارالافتاء جمهوری مصر عربی

عنوان

حکم روزه کشورهایایی که روزشان طولانی و شبشان کوتاه است

دکتور شوقی ابراهیم علام

در کشورهای خارجی که حتی ساعات روز به بیست ساعت [بلکه به ۲۲ ساعت هم] می رسد، برای روزه و نماز چی باید کرد؟

شماره پیوست : ۴۷۷۷

تاریخ جواب: ۲۰۱۳/۰۷/۰۹

مفتی کشور مصر عربی: استاد دکتور شوقی ابراهیم علام،

ترجمه: دکتر محمدصالح مصلح

از سئوالی آگاه شدیم که در سال ۲۰۱۳م به شماره ۲۹۸ درج شده است و حاوی این مطلب می باشد: در کشورهای خارجی که حتی ساعات روز به بیست ساعت [بلکه به ۲۲ ساعت هم] می رسد، برای روزه و نماز چی باید کرد؟

: پاسخ

معیار در تشریح احکام، حداکثر است نه حداقل

کشورهای که در آن روال عادی به هم خورده است، تاجایی که مسلمان ناتوان از گرفتن روزه می شوند، روزه و نماز در آن کشورها از راه سنجش و مقایسه با مکه مکرمه انجام می شود، علاماتی را که خدای متعال سبب تشریح و اجرای احکام برای نماز و روزه دانسته است – مانند طلوع و غروب خورشید،

زوال و یا پنهان شدن شفق و مانند آنها- معیار حکم نمی باشند و کنار گذاشته می شوند؛ زیرا سنت الهی بر این استوار بوده است که احکام تکلیفی را بر غالب احوال، تشریح کند نه بر حالاتی که استثناء پیش می آید.

این نظر، دیدگاهی است که فقها و اصولیون به صراحت به آن اعتراف کرده اند: هدف شارع از عموماتِ نصوصِ شرعی، استوار برحالتِ غالب و شایعی است که در میان مردم به آن- در زندگی و رفتار اجتماعی شان- ارج نهاده می شود.

حافظ ابن حجر عسقلانی (در کتاب «فتح الباری» ج ۲ ص ۶۲ ط، دارالمعرفة) می گوید: «سخن شارع، ناظر به آن مواردی است که غالب و شناخته شده است، حالات نادر و تصادفی، هدف شارع نمی باشد همچنین ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری ج ۲ ص ۱۹۹» از امام ابی الفتح بن سیدالناسِ یعمری نقل می کند که گفت: مبنای احکام بر اکثریت است، نه حالات نادر و محدود.

امام شهاب الدین قرافی (در کتاب «الفروق ج ۱ ص ۳۵۹ ط، دارالکتب العلمیة) می گوید: قاعده این است که هرگاه میان اقل و اکثر تنازع واقع شود که هدف کدام است؟ اولویت بر این است که ترجیح به اکثر داده می شود.

همچنین در «ج ۳ ص ۲۲۵» می گوید: حمل لفظ بر معنای نادر و غیر متعارف، خلاف ظاهر است، به دلیل این که همیشه معنای هر لفظی بر استعمال غالب حمل می شود.

همچنین همو در «ج ۴ ص ۲۲۳» می گوید: بنای احکام شرعی بر غالب است.

ابن الشاطب مالکی در حاشیه ای که بر «ادرار الشروق علی انواء الفروق» ج ۴ ص ۴۶۰ نوشته است، می گوید: بنای احکام شرعی بر اکثریت است، نه اقلیت.

علامه عبدالحمید شروانی در حاشیه ای که بر کتاب «تحفة المحتاج» از حافظ ابن حجر نوشته است، «ج ۴ ص ۲۷۳ ط، المكتبة التجارية الكبرى» می نویسد: الفاضلی که از شارع وارد شده است، حمل بر اکثریت [همان زمان] می شود، امور نادر و کمیاب خارج از آن حکم می باشند.

علامه ابن عابدین حنفی در کتاب «ردالمحتار علی الدرالمختار ج ۲ ص ۱۲۳ ط، دارالفکر» می نویسد: قصر فاحش مانند طول فاحش غیر معتبر است، زیرا عباراتی که در شرع وارد شده است، حمل بر غالب شایع می شود، نه بر نادر و کمیاب.

برای حالات نامتعارف، حکم ویژه لازم است.

با توجه به این مطالب، دانسته می شود که در نزد اکثر علمای علم اصول، حالت‌های نادر و نامتعارف، تحت احکام عمومی داخل نمی باشند؛ از همین جهت، امام شافعی رضی الله عنه فرمود: « لازم است که برای مسائل نادر و شاذ، نص جداگانه ای وارد شود، احکام عمومی بر مسائل شاذ و نادر قابل حمل نمی باشند= الشاذ يُنتحى بالنص (ای من شأنه أن ينص عليه بخصوصه) ولايراد على الخصوص بالصيغة

العامّة» به نقل از امام الحرمین در کتاب «البرهان فی اصول الفقه ج ۱ ص ۵۲۰-۵۲۱ نشر دانشکده شرعیات قطر

امام ابوالفتح بن برهان در کتاب «الاوسط» می گوید: به دلیل عدم حضور حالات نادره در هنگام تشریح، حمل احکام عمومی بر آنها جائز نیست، زیرا ما به یقین می دانیم که حالات نادر و محدود، در هنگام تشریح احکام، مورد هدف شارع نبوده و حتی به ذهن شارع هم نرسیده است. «به نقل از امام زرکشی». در کتاب «البحر المحیط ج ۳ ص ۵۶، ط، وزارت اوقاف و شئون اسلامی کشور کویت

از آنجایی که فهم عرفی، محور تشریح احکام شناخته شده است و در اراده معانی الفاظ، استعمال اکثریت مورد قضاوت می باشد، اصولیون گفته اند که هرگاه حمل لفظ بر معنای حقیقی متعذر باشد، لفظ به آن معنای مجازی حمل می شود که در میان مردم مورد استفاده‌ی شایع و گسترده باشد، نه کمیاب و نا آشنا و غریب.

امام ابن عربی مالکی در کتاب اصولی خویش «المحصول ص ۹۹ چاپ دارالبیان» می گوید: از ناحیه حمل لفظ بر معنای حقیقی، حکم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم مانند حکم قرآن کریم است، بنابراین هیچ لفظی حمل بر معنای مجازی نمی شود، مگر این که دلیلی وجود داشته باشد. مجاز دو قسم است: یکی این که استعمال و کاربرد عمومی دارد و در میان مردم به صورت گسترده استفاده می شود و دیگری این که کاربرد و استفاده عمومی ندارد. اصل شگفت انگیز در تفسیر و تاویل این است که آیات احکام و اخبار مربوط به آن، حمل بر معنای قابل استفاده و کاربرد می شود، مسائلی اندر باب مواضع، تهدید، بیم دادن و موارد دیگر، مربوط به معنای نامأنوس و نادر می گردد.

اوقات تعیین شده برای رمضان، مختص شبه جزیره عربستان است

ابن تیمیه حنبلی به اثبات می رساند که اوقات تعیین شده در مورد رمضان، مربوط به روزهای عادی و متعارف است. (رجوع شود به: مختصر الفتاوی المصریة ج ۱ ص ۳۸ چاپ دار ابن القیم) اوقاتی را که جبرئیل امین به پیامبر اسلام و پیامبر اسلام به امتیان خویش تعلیم داده اند، همان اوقات متعارفی هستند که علمای اسلامی در کتابهای خویش ذکر کرده اند، یعنی همان روزهای متعارف و عادی که همه به آن آشنائی دارند.

اما در مورد روزهای نامتعارف و نادر «مانند روزی که برابر بایکسال است» رسول خدا فرمودند: « آن ...روزها را با روزهای عادی مقایسه کنید

سپس ابن تیمیه می گوید: هدف از روزهای غیر معمولی این نیست که وقت نماز عصر هنگامی شود که سایه هر شخص یک یا دو برابرش باشد، بلکه مسائل بسیاری پیش از این دوچند شدن سایه اتفاق می افتد، مثلاً، نماز ظهر و عصر این روزها پیش از زوال آفتاب می باشد، نماز شام و خفتن آن نیز پیش از غروب برپا می شود. و به همین ترتیب نماز صبح آن نیز مانند روزهای عادی سنجیده می شود و اعتنائی به طلوع، زوال و یا غروب آفتاب کرده نمی گردد.

به همین ترتیب، در مورد تفاوت نمازها و روزه، امام محمد عبده مفتی سابق کشور مصر و شاگردش شیخ رشید رضا در «تفسیر المنار ج ۲ ص ۱۶۳ چاپ مطبه المنار» می گوید: خدای متعال- دانای ناهانها و پدیدآورنده زمین و آسمانها- به وسیله قرآن کریم، همه مردم را مخاطب قرار داده است، تا همه به جای آورند و امتثال کنند، از همین جهت در امر به نماز، مطلق ذکر کرده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اوقات نماز را مطابق شرایط عادی و متعارف آن- که اکثریت کشورها می باشد- بیان نموده است، اما امروزه خبرهایی به ما می رسد که مسلمانان در کشورهای غیرمتعارف زندگی می کنند، آنها می توانند اوقات نماز و روزه خویش را مطابق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم [که فرمود: روزهای طولانی را در مقایسه با روزهای عادی بسنجید] تعیین کنند. رمضان برای کسی فرض است که آن ماه را دریابد، یعنی با فرارسیدن ماه رمضان، او دارای شرایط اهلیت باشد، و اگر کسی در کشوری زندگی می کرد که ماهی در آن وجود نداشت تا رمضان را در قالب آن ماه بگنجانند، باید از راه مقایسه و سنجش، ادای روزه کند. فقها هنگامی به مساله سنجش و اندازه گیری روی آوردند که متوجه شدند: برخی کشورها روزهای طولانی و شبهای کوتاهی دارند و برخی کشورها روزهای کوتاه و شبهای طولانی دارند، این اختلاف پیدا شد که پس معیار سنجش چه باید باشد؟ یعنی برای تعیین اوقات نماز و روزه کدام شهر یا کشوری را معیار خویش قرار دهند؟ برخی ها گفتند که: کشورها و شهرهای میانه و معتدلی که شریعت اسلامی در آنها نزول و تشریح یافته است، مانند: مکه و مدینه معیار حکم قرار بگیرند. برخی ها گفتند: نزدیک ترین کشوری که دارای اعتدال باشد، معیار قرار بگیرد و هر کدام این دو فتوا درست و بجاست، این مساله از مسائل اجتهادی است و نصی در این زمینه وجود ندارد.

امام محمود شلتوت شیخ و مفتی سابق الازهر در «فتاوی خویش ص ۱۲۵ چاپ دار الشروق» می گوید: شکی در این نیست که اوقات نماز در یک شب و روز و تعیین ماهها در یک سال - بنابر نقل متعارفی که نسل اندر نسل، مردم نقل کرده اند و امروزه شناخته می شود- مبتنی بر حالت کشورهایایی است که معتدل و اوقات روز و شب شان مشخص و معین است و ماه رمضان شان همزمان با کشورهای معتدل فرا می رسد، در هنگام تشریح این مساله روشن نشده بود که در کره زمین جاهایی یافت می شود که یکسال آن مساوی به یک شب و روز می باشد، یعنی شش ماه روز و شش ماه شب است، از جانب دیگر، جاهایی پیدا می شود، روزش چنان طولانی است که برای شب چیزی باقی نمی ماند، و هم چنان بخشهایی پیدا می شود که طول شب برای روز چیزی باقی نمی ماند.

امام جادالحق شیخ و مفتی سابق الازهر می گوید: این که روزه از طلوع صبح صادق تا غروب خورشید گرفته شود، برای آنکه کشورهایایی است که دارای وضعیت عادی و نرمال می باشند، اما شامل کشورهایایی نمی شود که دارای وضعیت غیرعادی هستند، مانند این که در قطب جنوب و یا شمال قرار دارند، و یا نزدیک به این دو قطب می باشند، برای این کشورها حکم جداگانه ای است.

علامه شیخ مصطفی الزرقاء در کتاب «العقل و الفقه فی فهم الحدیث النبوی ص ۱۲۴ چاپ دار القلم» می گوید: احادیثی که از رسول خدا آمده است، باید آنها را حمل بر وضعیت جغرافیائی و فلکی در شبه جزیره عربستان کرد و به هیچ عنوانی احادیث مذکور نمی توانند، شامل تمام کره زمینی شود که اکثریت آن خشکه و بحر نامشخص بوده اند، زیرا در آن زمان چیزی از اینهمه کشورها و هستی دانسته نمی شد، بلکه اماکن و جاهای دور افتاده و ناشناخته ای در شمال و جنوب وجود دارند - که بعدها کشف شدند-

اوقات نماز و روزه در مورد آنها مسکوت باقی مانده است که تابع اجتهاد بوده و مطابق مقاصد شریعت حکم می شود.

معیار حکم، مکه مکرمه و یا مدینه منوره است

کشورهایی که دارای وضع ثابت و پایدار نیستند، نشانه هایی که برای نماز و روزه (مانند: طلوع خورشید، زوال و یا پنهان شدن شفق در نماز و صبح صادق و غروب خورشید در روزه)، تعیین شده اند، کنار گذاشته می شود و با توجه به مقایسه [با روزهای کشورهای معتدل و شهرهای میانه مانند مکه و مدینه] احکام صادر می گردد، بنای این حکم مبتنی بر حدیثی است که امام مسلم در صحیح خویش و دیگران از نواس بن سمعان از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده اند، هنگامی که رسول خدا داستان «دجال» را بیان می کرد، برای ایشان گفتیم: ای رسول خدا! دجال تا چه مدتی می باید؟ ایشان فرمودند: چهل روز، روز اول مساوی است با یک سال، روز دوم برابر است با یک ماه، روز سوم با یک هفته و روزهای باقی مانده مانند روزهای عادی می باشند؛ گفتیم: ای رسول خدا! آن روزی که مساوی با یک سال است، آیا نماز یکروز کفایت می کند؟ ایشان فرمودند: نخیر! باید مقایسه کنید و بسنجید.

وضعیت ظهور دجال مانند نا متعین بودن وقت هاست، که عینا در دوسوی قطب، این وضعیت جاری است و در هر کدام شش ماه روز و شش ماه شب است

علما به این حالت، حالات دیگری را نیز ملحق نموده اند، کشورهایی که نزدیک به این دو قطب هستند، یا روز طولانی دارند و شب کوتاه و یا شب طولانی و روز کوتاه، به دلیل علت مشترک که - که نشاندهنده عدم توازن روال عادی است، اسبابی که مؤثر در تشریح احکام شناخته می شوند و تشریح با اتکای به آنها حکم کرده است، کنار گذاشته می شوند- و همه ی این کشورها دارای یک حکم می باشند

علامه ابن عابدین حنفی در حاشیه خویش بر «ردالمحتار علی الدرالمختار ج ۱ ص ۳۶۶ چاپ دارالفکر» می نویسد: من کسی را از حنفیه سراغ ندارم که در مورد تفاوت روزه اعتراض داشته باشد، طوری که طلوع فجر در آنها در فاصله ای رخ بدهد که روزه دار، قدرت خوردن و نوشیدن را نداشته باشد و کسی حکم به روزه متوالی (پی در پی) نمی دهد، زیرا چنین حکمی منتهی به هلاکت شخص روزه دار می شود، و اگر برای چنین افرادی و در اینگونه شرایط حکم به وجوب روزه بدهیم، راهی جز سنجش و اندازه گیری وجود ندارد، این که - مانند آنچه شافعیه که گفته اند- سنجش چنین کشورهایی به نزدیکترین شان محول می شود؛ یا حداقل فرصت خوردن و نوشیدن برایشان در نظر گرفته می شود؛ یا نه! اینها روزه خویش را بخورند و در فرصت دیگری قضا بیاورند؟ هر کدام از این نظریات محتمل و قابل اجراست، اما به هیچ وجه گفته نمی شود که: روزه بالای این مردم واجب نیست؛ زیرا اسباب وجوب روزه موجود شده است که همانا رسیدن و رؤیت هلال رمضان است، اما اختلاف بر سر جزئیات و کیفیت اجرای آن می باشد. والله اعلم

زرکشی در مورد اینچنین حادثات می گوید: مطابق نزدیک ترین کشور سنجیده می شود، آنها پیش از طلوع فجر، سحری را میخورند و تا نهار همان روز، روزه می گیرند و افطار می کنند، هر چند غروب

خورشید اتفاق نیافتاده باشد ولی در کشوری که مقایسه شده است، غروب اتفاق افتاده است و مطابق آن حکم می شود، چنانچه در هنگام خروج دَجَال، روزهای آنروز با روزهای زمان فعلی که روزهای عادی می باشند، قیاس می شود.

معیار مقاصد شریعت است نه ظواهر قابل تغییر

قیاس این اختلال روزانه برگفته شده از واقعیتی است که نمی شود منکر آن شد و آن این که: هژده ساعت و یا بیشتر از آن گرسنه بودن و چیزی نخوردن، کار بسیار سخت و دشوار است، و چنانچه متخصصین می گویند: اگر کسی در جریان هژده ساعت چیزی نخورد و ننوشد، قطعاً بالای جسم اش ضرر می زند، زیرا بدن انسانی در این مدت به شدت نیاز به تغذیه دارد و اگر هدف از تشریح روزه، رساندن صدمه اینچنینی باشد، قطعاً هدف شریعت اسلامی نیست و مقصود آن قرار گرفته نمی تواند.

در مورد تفاوت اوقات، علامه شیخ مصطفی الزرقا در کتاب «العقل و الفقه فی فهم الحدیث النبوی ص ۱۲۴» می گوید: اگر گفته شود که چگونه خوردن روزه را برای مردمی اجازه میدهند که خورشید می تابد و کمتر از یک و یا نیم ساعت به غروب باقی نمانده است؟

در پاسخ می گوئیم: عین همین سخن دامنگیر شما در کشورهایی می شود که شش ماه روز و شش ماه شب دارند، اگر شما موافق هستید که آنها در روز، روزه بخورند و برایشان وقتی را جهت شروع و پایان روزه مشخص کرده اید، درحالی که خورشید می تابد ولی آنها روزه را میخورند و برحسب ضرورت برای ایشان مشکلی ندارد؟ پس چرا برای کسان دیگری که عین همین مشکل را دارند ولی سطح آن کمتر است، چنین اجازه ای را نمی دهید؟ اگر برای آنها به خاطر ضرورت اجازه است، پس برای اینها هم برحسب ضرورت باید اجازه داده شود. چیزی که در این بحث مهم است، این است که باید مقاصد شریعت رعایت شود، هرگاه حکمی ترویج گردد که در آن تکلیف مالا یطاق وجود داشته باشد، چنان حکمی هیچ الزامیتی ندارد و خارج از مقصود شارع می باشد.

چنین پنداشته نشود که اگر فردی احساس ناتوانی کرد، برخلاف جامعه روزه خود را بخورد و در فرصتهای بعدی روزه بگیرد، بلکه در چنین مواردی حکم فرد، تابع حکم جمع است، بحث ما روی آن موردی است که تمام کشور را در بر می گیرد، نه یک فرد را.

زیرا سخن ما روی مساله ای نیست که همه ی مردم قدرت گرفتن روزه را دارند ولی یکی یا چند نفر ندارد، چه حکم مبتنی بر اکثریت است، اما اگر به این علم حاصل شد که واقعا فراتر از توان انسانی است و اکثریت جامعه قدرت روزه گرفتن چنین روزی را ندارند، و متخصصان طبی هم تشخیص دهند که چنین روزه ای ضرر به مکلف می زند و حالت عادی انسان را متشنج می سازد، مجتهد باید یقین داشته باشد که چنین تکلیفی هرگز مورد هدف شارع نمی باشد. چنین گفته نشود که: خوب خیر است، یکبار بگیرد، اگر نتوانست، باز افطار کند و بعداً قضا بیاورد، این سخن، مکلف را مضطرب و سرگردان می سازد، چه یا روزه واجب شده است و یا نه شده است، تکلیف یا ساقط شده است و یا نشده است، نمی شود که مکلف را نسبت به زندگی و شئون حیاتش گرفتار حرج ساخت، در چنین مواردی بهتر است که ماه

روزه به یکی از ماه‌های دیگری که معتدل‌تر است و مشکل ایجاد نمی‌کند انتقال داده شود، چه هرکاری که صدمه به انسان بزند، مورد هدف شارع نمی‌باشد.

از همین جهت است که امام محمود شلتوت اجتناب از چنین فرضی - که صدمه به جان انسان بزند- را فرض می‌داند، او در «فتاوی‌ خویس ص ۱۲۶» می‌گوید: شکی در این نیست که اگر چنین جرئتی داده شود که معیار را طلوع و غروب خورشید بدانیم، و اوقات متعارف را معیار قرار دهیم، در نتیجه این می‌شود که مکلف در برخی از مناطق طی یکسال پنج وقت نماز بخواند و در برخی از اماکن چهار وقت و یا کمتر ادا کند، به همین ترتیب برای برخی از مسلمانها درحالی که ماه رمضان رسیده است ولی روزه ای نگیرد، چون هر سال دوازده ماه است، درحالی که هر شش ماه یکروز آنجا حساب می‌شود، پس هر ساله رمضان می‌آید ولی این شخص روزه نمی‌گیرد، به همین ترتیب برای برخی از مناطق، روزه از ۲۴ ساعت به ۲۳ ساعت می‌رسد، همه‌ی اینها تکالیفی هستند که در تنافی با حکمت باریتعالی قرار دارند و رحمت او چنین مشقتی را هرگز تحمل نمی‌کند و از همین جهت فرض است که از چنین فرض‌هایی اجتناب شود.

علامه مصطفی الزرقا در همان کتاب «العقل والفقہ فی فهم الحدیث النبوی ص ۱۲۴» می‌گوید: این حکم در همه ساحه‌های تغییر شب و روز، قابل رعایت می‌باشد، فرقی نمی‌کند که تفاوت آن کم باشد و یا زیاد، همین که مجرد تفاوت حاصل شد، این حکم قابل اجرا است، چه هرگونه اضافه باری، منافی مقاصد شریعت بوده و از زیرمجموعه «قاعده حرج» شناخته می‌شود، چنین چیزی معقول نیست که مثلاً پنج وقت نماز برای سه ساعت تقسیم شود و یا ۲۳ ساعت روزه و یک ساعت افطار باشد و یا یک ساعت روزه و ۲۳ ساعت افطار باشد.

با معیار مکرمه روزه بگیرید

برای اینها پیشنهاد می‌شود که معیار سنجش زمان روزه و نماز خویش را با وقت مکه مکرمه بسنجند، از آنجایی که خدای متعال این دیار را «ام القری» یعنی مادر شهرها قرار داده است، این مادری برای همیشه باید باقی بماند و مکه تنها قبله‌ی مسلمانان نیست، بلکه معیار کلیه اوقاتی است که عبادت در آن تشریح یافته است.

بنابراین، مسلمانان در کشورهای خویش، روزه را مطابق صبح صادق یا فجری بگیرند که در کشور خودشان شناخته می‌شود و معیار است، اما تعداد ساعات روزه را مطابق مکه مکرمه ادامه دهند، یعنی اوقات افطار مکه را در نظر بگیرند، اگر اهل مکه چهارده ساعت روزه می‌گرفتند، که ایشان سحری را در ساعت سه صبح صرف کرده بود، این چهارده ساعت از ساعت سه صبح تا ساعت پنج بعد از ظهر و یا هفده تکمیل می‌گردد، هر چند خورشید غروب نکرده باشد، روزه را افطار کنند، به همین ترتیب اوقات نماز نیز با همین وقت تعیین می‌گردد و نمازهای پنجگانه مطابق وقت مکه مکرمه مشخص می‌شود.

هر تغییری که می‌آید، با حساب دقیقی که از مکه مکرمه صورت می‌گیرد، باید پیروی و مطابق آن سنجیده شود.

اما سنجش به نزدیکترین کشور، سنجش معتبر و ثابتی نیست، این دیدگاه گرفتار چالش‌های جدی است، درحالی که طرفداران این نظریه به خاطر فرار از مشقت و سردرگمی، شناخت وقت دقیق از نزدیکترین کشور همجوار را شرط می‌دانند، اما عملاً این کار شدنی نیست، بلکه بیشتر از دیدگاه اولی، اضطراب و تشنیت خلق می‌کند، امام اکبر شیخ جادالحق بعد از طرح نظریه دوم می‌گوید: شناخت دقیق از نزدیکترین کشور کار دشواری است، مخصوصاً برای نارویژ/ ناروی و من می‌خواهم مسلمانان ساکن کشور ناروی را فرا بخوانم به این که روزه‌ی خویش را با مکه و یا مدینه بسنجند، طوری که شروع روزه را از فجر صادق آغاز کنند و برحسب موقعیت جغرافیائی خویش، روزه را ادامه دهند و تا غروب مکه روزه بگیرند و باغروب مکه افطار کنند، این نظریه استنباطی است که فقها در سنجش وقت نماز و روزه انجام داده‌اند و از حدیث «ظهور دجال» استنباط می‌شود و ارشادات قرآن کریم ما را رهنمائی می‌کند.

این که اوقات روزه و نماز کشورهایایی که روز طولانی و شب کوتاه دارند، با وقت مکه مکرمه سنجیده شوند، نظری است که گروهی از بزرگان اهل علم در زمان حاضر از نخستین مفتی کشور مصر، امام محمدعبده تا زمان ما، به این نظر فتوا داده‌اند و دارالافتاء کشور مصر به همین نظر اعتماد کرده است، این فتوا از امام جادالحق علی جادالحق به شماره ۲۱۴ در سال ۱۹۸۱م ثبت شده است و بعد از شیخ عبداللطیف حمزه به شماره ۱۶۰ در سال ۱۹۸۴؛ از شیخ دکتر نصر فرید واصل به شماره ۴۳۸ در سال ۱۹۹۸م، از استاذ دکتور علی جمعه به شماره ۱۲۵۶ در سال ۲۰۰۹م ثبت گردیده و هر کدام به صراحت فتوا داده‌اند و همه به این نظر متفق هستند و این دیدگاه موافق با نظر شیخ استاذ دکتور محمد الاحمدی ابوالنور وزیر سابق اوقاف و عضو مجمع بحوث اسلامی در گروه فتوای جامعه الازهر به تاریخ ۱۹۸۳/۴/۲۴ و دیدگاه علامه مصطفی الزرقا، دکتور محمد حمیدالله در کتاب «الاسلام»، شیخ محمود عاشور وکیل سابق الازهر و عضو مجمع بحوث اسلامی و دیگران که در شایسته و اهل فتوا، شناخته شده‌اند، می‌باشد و این فتوای جهانی جهان اسلام نیز شناخته می‌شود، مجمع افتای کشور اردن هاشمی در عمان به امضای مفتی آن کشور محمدعبده هاشم به تاریخ ۱۳۹۹/۹/۱۹ق نیز همین نظر را تایید کرده است.

این فتوا چیزی است که ما موافق مقاصد کلی شریعت و مصالح خلق می‌بینیم

اماکشورهایی که روزشان از هژده ساعت بیشتر نمی‌شود و شب شان کمتر از شش ساعت نمی‌باشد، ساکنان این کشورها مکلف هستند تا نماز و روزه خویش را مطابق اوقات تعیین شده محلی خویش که از طلوع فجر تا غروب خورشید است، ادا نمایند و اگر برای فردی روزه گرفتن در چنین ایامی سخت می‌شود و برایش مشکلی پیش می‌آید، برای او اجازه است که روزه اش را افطار کند و در فرصت دیگری قضا بیاورد.

خدای سبحان داناتر و برتر است

منبع

<http://www.dar-alifta.org/AR/ViewFatwa.aspx?ID=۴۷۷۷>

دکتر محمد صالح مصلح- ارسالی به خبرگزاری جمهوری